

عمان و اباضیه معاصر

ابراهیم قاسمی *

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳]

چکیده

اباضیه از مذاهب پویای معاصر در جهان امروز است که صبغه تاریخی و کلامی‌اش نیز مد نظر پژوهشگران و محققان عرصه مذاهب واقع شده است. کشور عمان با سابقه‌ای کهن، امروزه پایتخت این مذهب به شمار می‌آید. شخصیت‌های سیاسی و مذهبی فعال در این کشور جزء رهبران ملی و مذهبی مردم عمان‌اند و اباضیان در دوران معاصر از آنها به نحو شایسته‌ای پیروی می‌کنند. عمان و اباضیه معاصر را در خلال مطالعه دو مرجع اساسی می‌توان شناخت؛ حاکم اسلامی، و مفتی مذهب. وضعیت کنونی اباضیه معاصر مرهون تلاش‌های این دو شخصیت است. سلطان قابوس، حاکم و پادشاه رسمی این کشور و از شخصیت‌های مهم اباضیه در دنیای معاصر بود؛ شخصیتی که زعامت سیاسی آنها را بر عهده داشت و در امامتی شبیه به مرحله ظهور، با سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اش عهده‌دار هدایت مردم در کشور عمان بود. از طرف دیگر، عنصر فعال و مفتی این کشور، احمد بن حمد خلیلی است که با شیوه‌های متنوع و راهکارهای فقهی سبب دوری مردم از بدعت‌ها و تبیین مسائل و احکام جدید با روش اجتهادی خویش شده است. وی به سماحت و سهولت شریعت توجه بسیار دارد و مکتب جدیدی را در فتوادادن پایه‌ریزی کرده است. این مقاله عهده‌دار بررسی نقش و فعالیت‌های این دو مرجع مهم در مذهب اباضیه در عمان معاصر است.

کلیدواژه‌ها: عمان، سلطان قابوس، احمد بن حمد خلیلی، اباضیه.

مقدمه

با اینکه اباضیه فرقه کوچکی هستند اما در مناطق مختلفی از دنیا وجود دارند. یکی از مناطق، که البته نماد آنها هم به حساب می‌آید، کشور عمان است؛ کشوری که از لحاظ جغرافیایی و ارتباط با دریا و بندرهای مهم جایگاه ویژه‌ای در این منطقه دارد. نوع حکومتی که امروزه در آن شکل گرفته تلفیقی است از حکومت سیاسی و مذهبی که باید نگاه خاصی به آن داشته باشیم؛ زیرا مدل حکومت امامت اباضیان است و شباهت بسیار به مرحله اول امامت، یعنی مرحله ظهور، دارد.

در این مقاله پس از مطرح کردن توضیحاتی درباره این کشور، جایگاه و نقش دو شخصیت طراز اول سیاسی و مذهبی عمان را بررسی می‌کنیم تا با شیوه زعامت سیاسی و معنوی آنها آشنا شویم؛ هرچند در حین نگارش این مقاله سلطان قابوس از دنیا رفت و برای قضاوت درباره عملکرد پادشاه جدید عمان هنوز فرصت باقی است.

۱. کشور عمان

عمان در طول تاریخ نام‌های متعددی داشته، که از نام‌های مشهورش «مگان» است. این نام نیز تغییر یافت و «مجان» نامیده شد. «مگان» در گذشته نام ایالتی در جنوب سرزمین ایران بود که در گذر زمان به آن «مکران» نیز گفته‌اند (کرمی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵). در عصر ما، نام «مکران» را به منطقه «عمان» نیز اطلاق کرده‌اند. همچنین، مدتی نام این سرزمین، به دلیل وجود تعداد فراوان چشمه‌های آب شیرین، «مزون» بوده است (وزارت الاعلام، ۲۰۱۰: ۸). اما برخی از مورخان دلیل نامیدن این سرزمین به نام فعلی‌اش را، وجود شخصیتی به نام «عمان بن سبأ بن یغثان بن ابراهیم» دانسته‌اند (صوفی، ۱۹۹۷: ۱۰).

۱.۱. تاریخ و جغرافیای سرزمین عمان

طبق گزارش باستان‌شناسان، تاریخ عمان به گذشته‌ای دور، یعنی هزاره دوازدهم قبل از میلاد، برمی‌گردد. ولی آنچه به بحث ما مربوط می‌شود عمان در دوره اسلام است.

در دوران حکمرانی «آل‌جلندی» اسلام وارد عمان شد. در آن دوران، پیامبر (ص)، افرادی نظیر عمرو بن عاص و ابازید انصاری را برای دعوت مردم به اسلام به عمان فرستاد (کرمی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵؛ اداره بررسی‌های مرکز اعزام مبلغ خارج از کشور وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۷۴؛ سالمی، بی‌تا: ۱۲). پادشاهان عمان، در آن زمان، جیفر الجلندی و برادرش، عبدالجلندی، بودند. آنها بعد از دعوت پیامبر، اسلام را پذیرفتند و تمامی مردم عمان به اسلام گرویدند. اکثر گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که این سرزمین به یکی از قلعه‌های بزرگ اسلام تبدیل شد و از مدافعان دین اسلام در جنگ‌های رده بود (کرمی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵؛ اداره بررسی‌های مرکز اعزام مبلغ خارج از کشور وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۷۴). شرکت حماسی مردم عمان در فتوحات اسلامی در سرزمین‌های عراق، ایران، هند، شام، مصر، مغرب و اندلس نیز به ثبت رسیده است (نک: عرب، ۱۳۷۷: ۵۹-۶۸؛ عاشور، ۱۴۱۲: ۳۰). مردم این سرزمین کهن، در طول تاریخ خویش، مشغول تجارت بودند و کشتی‌های باری متعددی داشتند و به دورترین نقاط جهان، حتی حدود چین و شرق آفریقا، دست یافته بودند. در همان دوران، یکی از بندرهای راهبردی عمان «صحار» بود و کشتی‌های تجاری از این بندر به سواحل آفریقا رسیده بودند.

در نیمه قرن ششم هجری، قبیله بنی‌نبهان منطقه داخلی را پایتخت حکومت خویش قرار دادند و به مناطق ساحلی اهمیتی ندادند تا اینکه سربازان پرتغالی توانستند این مناطق را اشغال کنند و حکومت بنی‌نبهان را در منطقه داخلی در قرن نهم هجری از بین بردند (نک: کرمی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۹؛ عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱).

در قرن ۱۶ م، پرتغالی‌ها از منطقه‌ای به نام «رأس الرجاء الصالح» عبور می‌کنند و تقریباً بر تمامی مناطق ساحلی شرق آفریقا تسلط می‌یابند و سپس به ساحل هند و اقیانوس هند می‌رسند. آنها در ۱۵۰۷ م. به کشور عمان هجوم بردند و بعد از مقاومت شدید مردم عمان، سرزمینشان را تصرف کردند. پرتغالی‌ها یک قرن و نیم در عمان حضور داشتند (نک: عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱؛ کامران مقدم، ۱۳۵۶: ۳۶۰).

در سال ۱۶۲۴ م. دولت «یعاریه» به سرپرستی امام ناصر بن مرشد الیعرابی تأسیس شد. در بحبوحه بیرون‌راندن پرتغالی‌ها از عمان، ناصر الیعرابی روی کار آمد، ولی او

لازمه اخراج اشغالگران پرتغالی از عمان را همبستگی تمام مردم عمان می‌دانست. وی سعی وافری در اتحاد تمام مردم و طوایف داشت و در این کار موفق شد. سپس با پرتغالی‌ها وارد جنگ شد.

ناصر الیعربی بعد از اتحاد و همبستگی عمانی‌ها و تقویت جبهه داخلی به خوبی می‌دانست که نبرد با اشغالگران پرتغالی فقط معرکه‌ای زمینی برای برگرداندن زمین‌های اشغال‌شده نیست، بلکه جنگی تمام‌عیار برای کسب آزادی است. او از طرفی رمز قوت پرتغالی‌ها را در ناو دریایی آنها می‌دانست؛ از همین رو اولین اقدامی که انجام داد ساخت و تأسیس ناوگانی بزرگ و قدرتمند بود. وی با اطلاع و تدبیر کامل و تأمین تجهیزات و مهمات لازم و تهیه مایحتاج جنگ با پرتغالی‌ها وارد نبرد شد (عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱؛ بربر، ۲۰۰۴: ۳۱-۴۰).

در همین مدت کوتاه موفق شد چندین شهر ساحلی را از پرتغالی‌ها پس بگیرد، ولی مرگ به وی امان نداد و از دنیا رفت. پس از ناصر، امام سیف بن سلطان الیعربی جانشین وی شد و راهش را ادامه داد. در سال ۱۶۴۹ م. موفق شد مسقط را از سلطه پرتغالی‌ها آزاد کند. بعد از رهایی مسقط، تمام قلعه‌های نیروهای پرتغالی، یکی پس از دیگری، سقوط کرد و در نهایت تمام عمان از سیطره آنها آزاد شد.

با وجود این تلاش همه‌جانبه در جهت آزادی سرزمین عمان از تسلط پرتغالی‌ها، کار مقابله با نیروهای پرتغالی ادامه یافت و آنها را در سواحل هند، ساحل شرقی آفریقا و اقیانوس هند تعقیب کردند و در چند حمله مکرر توانستند لشکر پرتغالی‌ها را به طور کامل از این مناطق اخراج کنند. همچنان این نبرد ادامه داشت تا اینکه سرانجام در سال ۱۶۹۸ م. پرتغالی‌ها برای همیشه از این منطقه رانده شدند (نک.: کرمی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۹؛ عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱).

پیامد این پیروزی بزرگ، تشکیل دولتی عظیم و قدرتمند در سرزمین عمان بود که با داشتن ناوگان بزرگ دریایی بر تمام آب‌های منطقه دست یافت و با این موفقیت گسترده، صاحب بزرگ‌ترین ناوگان دریایی و تجاری در اقیانوس هند شد. در آن دوران طلایی، مرزهای کشور عمان تا سواحل شرقی آفریقا امتداد یافت و دولتشان بر تمامی

جزایر این مناطق و ساحل آفریقا تا دهه ۶۰ قرن ۲۰ میلادی حاکم بود. همچنین، عمان جزء ثروتمندترین دولت‌های منطقه به شمار می‌رفت و در جهت آبادانی مملکت کوشش فراوان داشتند. آنها تعداد چشمگیری قنات برای آبیاری ایجاد کردند و صنعت کشاورزی رونق یافت و باغ‌های مرکبات متعددی شکل گرفت.

مردم سرزمین عمان برای حفاظت از منطقه خویش، سه دژ عظیم و راهبردی، به نام قلعه نزوی، حصن الحزم و حصن جبرین، در مناطق مختلف کشور احداث کردند که از طریق آن و نیز از طریق دو قلعه مشهور، یعنی قلعه میرانی و قلعه جلالی، بر شهر مهم مسقط نظارت داشتند (عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱).

روزهای پس از پیروزی بزرگ یعاریه در جنگ با نیروهای پرتغالی، در آرامش، امنیت و استقرار سپری شد، ولی در اواخر حکومت این خاندان، اختلافاتی رخ داد و ناامنی در مناطق داخلی آغاز شد و شورش، هرج و مرج، آشوب و ناامنی کشور را فرا گرفت. در این موقعیت حساس، احمد بن سعید البوسعیدی که والی شهر صحار بود، ضد دولت یعاریه شورش کرد، اما احمد بن سعید با همراهی و مساعدت مردم صحار و رستاق توانست مخالفان خود را از سر راه بردارد و شکست دهد. از اتفاقات مهم در سال ۱۷۴۴ م، اجتماع مردم و اهل حل و عقد در شهر رستاق است که احمد بن سعید را رسماً به رهبری انتخاب کردند و به وی لقب «الامام احمد بن سعید» دادند که این امامت و رهبری آغاز سلطنت پادشاهان آل بوسعیدی بود که تا امروز در کشور عمان ادامه دارد (کامران مقدم، ۱۳۵۶: ۳۶۱).

پس از انتخاب احمد بن سعید به امامت و رهبری، وی شهر رستاق را به عنوان پایتخت حکومتش برگزید و قوای نظامی دریایی تأسیس کرد تا پشتوانه نیرومندی برای حمایت از مملکت ایجاد کند. او برای پشتوانه اقتصادی حکومت نیز شهر راهبردی مسقط را به یکی از مراکز مهم تجاری تبدیل کرد و رابطه ویژه‌ای بین هند و آفریقا برقرار کرد و ناوگان دریایی‌اش را بر تمام مناطق آبی گسترش داد تا بتواند نفوذ کافی داشته باشد. وی پس از استقرار امنیت در عمان و مناطق دریایی و اطراف عمان از دنیا رفت. پس از وفات او، پسرش بر مسند حکومت نشست. حکمرانان دیگر عمان، سعید

بن احمد بن سعید و پس از او حمد بن سعید بودند. حمد بن سعید پایتختش را از رستاق به مسقط منتقل کرد و نفوذش را تا دریای شرقی آفریقا گسترش داد. پس از مرگ او نیز سلطان بن احمد بر جایش می‌نشیند (نک: کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۸؛ عاشور، ۱۴۱۲: ۷۱).

پس از سلطان بن احمد، سلطان سعید بر مسند حکومت تکیه زد. در ایام حکومت وی، ناوگان دریایی عمان به اوج اقتدار خود در منطقه دست یافت. وی یکی از شخصیت‌های برجسته عمان بود و ویژگی‌های ممتازی داشت: مدیر، مدبر، سیاست‌مدار، جنگجوی شجاع، تاجر. سعید بن سلطان در دوران حکومت طولانی‌اش، که ۵۲ سال به طول انجامید، توانست امپراتوری گسترده‌ای تأسیس کند که حدودش از شرق آفریقا تا ساحل ایران بود. در ۱۸۴۰ م. سعید بن سلطان نماینده خود، احمد بن نعمان الکعبی، را به عنوان اولین سفیر عرب با کشتی شخصی «سلطان» به شهر نیویورک فرستاد که این اتفاق برای اولین بار در تاریخ رقم خورد. سعید بن سلطان علاقه وافری به دریا داشت. لذا به وی لقب «السید البحار» داده بودند. وی در ۱۸۵۶ م. در کشتی شخصی‌اش، فکتوریا، در دریای سیشیل از دنیا رفت. بعد از وفات سعید بن سلطان این سرزمین دچار فراز و نشیب‌های گوناگون شد و روزهای بسیار درخشان و نیز روزهای تاریک فراوانی را به چشم خود دید تا اینکه در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ م. سلطان قابوس بن سعید آل بوسعید بر مسند حکومت نشست (نک: بربر، ۲۰۰۴: ۳۱-۴۰؛ کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۸).

پایتخت کشور سلطان‌نشین عمان در عصر حاضر مسقط است. مسقط از بندرهای مهم عمان به شمار می‌رود؛ خلیج مدوری است که دور آن را کوه‌های خشک با صخره‌های درشت پوشانده و به‌زحمت از ساحل دیده می‌شود و به بندر مخفی یونانی‌ها شهرت دارد. عمارت سفیدرنگ سلطان قابوس هم در این شهر است (کامران مقدم، ۱۳۵۶: ۳۵۰-۳۵۴). علاوه بر مسقط، شهرهای بزرگ دیگری هم در عمان وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف. مطرح: بندر مهمی که در ۱۵ کیلومتری شمال غربی مسقط قرار دارد؛ قلعه بزرگی که یادگار استعمار پرتغال است هنوز در این شهر پابرجا است (نک: یگانه، ۱۳۷۴: ۲-۷؛ کرمی، ۱۳۸۸: ۲۰-۳۱؛ اداره بررسی‌های مرکز اعزام مبلغ خارج از کشور وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۴-۸).

ب. ظفار: این منطقه سه قسمت مهم دارد. استان ظفار یکی از زیباترین استان‌های سلطنت عمان به شمار می‌رود و در حوزه گردشگری و بازاریابی موفق بوده و توانسته است خود را به عنوان مهم‌ترین جاذبه گردشگری کشورهای شبه‌جزیره عربستان معرفی کند. این استان هر ساله در ماه‌های جولای و آگوست میزبان جشنواره ظفار و صلاله است که به جشنواره پاییزی صلاله^۱ معروف است. شهر صلاله مرکز استان ظفار است و مرکز فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و گردشگری عمان به شمار می‌آید (کامران مقدم، ۱۳۵۶: ۳۵۰-۳۵۴).

۱. ۲. ساختار فرهنگی و سیاسی عمان

عمان نیز، نظیر کشورهای حاشیه خلیج فارس و شیخ‌نشین‌های منطقه، نظام سلطنتی و پادشاهی دارد و در ساختار سیاسی‌اش جایگاهی برای نخست‌وزیر وجود ندارد. از نکات مهم این نظام سلطنتی می‌توان به قانون‌بودن دستورهای شخص پادشاه اشاره کرد. هرچند در سال ۱۹۹۶ م. اولین قانون اساسی در این کشور به تصویب رسید ولی در واقع همه چیز در اختیار سلطان و پادشاه است. بخش دیگر در ساختار سیاسی این کشور، شورای وزیران است که از ۲۶ نفر تشکیل شده و همگی آنها را پادشاه تعیین می‌کند. ریاست این شورا نیز بر عهده پادشاه است. سلطان قابوس بر اصل وفاداری تأکید فراوان داشت. به همین دلیل سال‌ها برخی از وزیران بر مسند وزارت تکیه زدند و هنوز هم در رأس امورند (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۶).

در ادامه اصلاحات ساختاری، پارلمان نیز تأسیس، و «شورای مجالس» نامیده شد. نمایندگان از طریق مردم انتخاب می‌شوند و وظیفه قانون‌گذاری را بر عهده می‌گیرند. قبل از تصویب هر مصوبه‌ای در شورای وزیران، نمایندگان مجلس می‌توانند برای

بررسی حکم، آن را به صحن علنی مجلس بیاورند و پس از بیان توضیحات، بر روند تصویب آن صحه بگذارند (نک: کرمی، ۱۳۸۸: ۳۹-۵۰؛ یگانه، ۱۳۷۴: ۶۱-۷۰).

سلطان قابوس در سال ۱۹۷۰ م. اصلاحات اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرد. در اوایل، مردم عمان همچنان بافت عشایری خود را، در حدود ۲۰۰ عشیره و طایفه، حفظ کرده بودند. سلطان قابوس برای تغییراتی در بافت و هدایت مردم به سوی علم و دانش و تمدن، مهاجران عمانی را از کشورهای اروپایی بازگرداند و با استخدام متخصصان خارجی به آبادانی و آموزش بومیان همت گماشت. او تعداد بسیاری از دانش‌آموزان دانشجویان مستعد و کوشا را به کشورهای پیشرفته فرستاد و از این طریق کم‌کم سطح فرهنگ مردم را ارتقا داد. به همین دلیل عشیره‌های مختلف جنگ و جدال را رها، و اختلافات را فراموش کردند (نک: اداره بررسی‌های مرکز اعزام مبلغ به خارج از کشور وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۹؛ یگانه، ۱۳۷۴: ۱۲).

خط و زبان عربی در میان عمانی‌ها رواج بسیار دارد اما در امور تجاری از زبان انگلیسی بهره می‌جویند (نک: کرمی، ۱۳۸۸: ۷۱؛ یگانه، ۱۳۸۴: ۱۲). از مهم‌ترین آداب آنها، شال‌بستن به سر، بستن خنجر به کمر در مجالس رسمی و مهم، و احترام و مهربانی است (نواب، ۱۳۹۳: ۱۳۹). روز ۱۸ نوامبر به عنوان روز ملی، میلاد حضرت رسول (ص)، مبعث رسول اکرم (ص)، عید فطر و عید قربان از تعطیلات رسمی این کشور است. سطح سواد مردم عمان بسیار بالا است و برای آموختن علم و دانش ارزش خاصی قائل‌اند. زنان نیز بخش مهمی از جامعه عمان محسوب می‌شوند و در تحصیل، ورزش و حتی مناصب اجتماعی پا به پای مردان حرکت می‌کنند. جالب آنکه، عمان تنها کشور خاورمیانه است که بازار مخصوص زنان دارد و ورود مردان به این بازار ممنوع است و تمام احتیاجات خانواده در این بازار عرضه می‌شود (نک: کرمی، ۱۳۸۸: ۹۰).

۲. سلطان قابوس: زندگی، دیدگاه‌ها و فعالیت‌ها

یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار اباضی معاصر در عمان، قابوس بن سعید بن تیمور آل سعید (۱۹۴۰-۲۰۲۰)، معروف به سلطان قابوس، متولد شهر صلاله در استان ظفار، است.

وی هشتمین سلطان از نسل امام احمد بن سعید و از نخستین مؤسسان خاندان آل بوسعید است. از زمانی که وی به حکومت رسید این کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گرفت. بررسی شخصیت فردی و اجتماعی سلطان قابوس نکات جالبی را روشن می‌کند.

وی دوران کودکی را در زادگاهش، صلاله، به یادگیری مباحث مقدماتی زبان عربی و دین مبین اسلام گذراند (وزاره‌الاعلام، ۲۰۱۰: ۲۸). دوران زندگی پیش از سلطنت سلطان قابوس به چهار مرحله تقسیم می‌شود؛ مرحله اول هنگامی است که وی در شانزده‌سالگی به دستور پدرش به انگلستان فرستاده شد و به مدت دو سال در فرهنگستان نظامی سلطنتی سندهرست آموزش دید. مرحله دوم مسافرتی گردشی آموزشی است که در ارتش پیاده هنگ زرهی انگلیس خدمت کرد. مرحله سوم زمانی است که وی در تشکیلات ستاد ارتش آلمان غربی خدمت می‌کرد. سلطان قابوس پس از بازگشت از آلمان و در مرحله چهارم دوره علوم مدیریت حکومتی را در انگلستان گذراند (بوسعیدی، بی‌تا: ۴۶۶).

وی بعد از گذراندن این مراحل چهارگانه، سه ماه جهانگردی کرد و بالأخره در سال ۱۹۶۴ م. به شهر خود، صلاله، بازگشت. پس از بازگشت به وطن، شش سال مشغول پژوهش در دین اسلام و همچنین تاریخ و تمدن و مردم‌شناسی عمان بود که البته این کار را به توصیه و تأکید پدرش انجام داد. همچنین، در این فرصت شش‌ساله، آثار و افکار سیاسی و فلسفی متفکرانی را که در شکل‌گیری فکر و مبانی نظری عالم نقش بسزایی داشتند مطالعه کرد. در سال ۱۹۷۰ م. و پس از برکناری پدرش، سلطان سعید بن تیمور آل بوسعید، از پادشاهی، قابوس به جای وی بر مسند حکومت نشست. پس از تکیه‌زدن بر مسند، لقب سلطان قابوس بن سعید سلطان عمان را گرفت و از صلاله به مسقط نقل مکان کرد. هنگامی حکومت عمان را به دست گرفت که عمان زیر فشار فقر و عقب‌ماندگی شدیدی قرار داشت و جنگ‌های داخلی علیه پدرش به اوج خود رسیده بود، ولی سلطان قابوس توانست به کمک مستشاران خارجی و همچنین درآمدهای نفتی، آتش این جنگ‌ها را بعد از پنج سال خاموش، و ارکان حکومت را محکم کند و قدم‌هایی برای وضع نظام کلی و اساسی کشورش بردارد (همان: ۴۴۷).

سلطان قابوس، برخلاف برخی از رهبران، فقط به آمال و آرزوها تکیه نمی‌کرد بلکه در مقام عمل برنامه‌های تکامل‌یافته‌ای را که به دنبال نوسازی بود و بر قوانین قبلی حکومت تکیه داشت، پایه‌ریزی کرد. وی با سفرهای متعدد و دانستن انگیزه مخالفان پدرش توانست خودش را در سطح جامعه و بین گروه‌های در حال نزاع، جایگزین مناسبی برای پدرش مطرح کند و با جمع میان سنت و مدرنیته به بسیاری از نزاع‌ها پایان دهد (همان). از این‌رو در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید:

هدف نهایی ما بازگشت به عظمت گذشته سرزمینمان است. هدف ما داشتن عمانی است که به تمدن کهن خود بازگشته و از نو برافراشته شده است و جایگاه رفیعش در میان ملت‌های عربی در نیمه دوم قرن بیستم زبازد است. هدف ما این است که یک عمانی زندگی سعادت‌مند و کریمانه داشته باشد (همان: ۴۴۸).

هدف قابوس، زندگی کریمانه و در شأن برای عمانیون بود، از این‌رو با استفاده از منابع مالی و درآمدها، مخصوصاً نفت، امور زیربنایی و احداث مدارس، بیمارستان‌ها، راه‌های آسفالت و ... را در دستور کار قرار داد و در این مسیر هم بسیار موفق بود. وی بازی‌های سیاسی و پیمان‌های قبیله‌ای در عمان را می‌دانست، لذا ارتباط مستقیمی با سران قبایل گرفت و چهره به چهره با آنها سخن گفت و از خواسته‌هایشان مطلع شد (همان). گرچه هدف وی حرکت از حالت قدیم به دوره جدید بود ولی بر اصالت اصلی عمان تأکید داشت. از این‌رو طرح‌های سنگینی را برای مستندسازی و قوام فرهنگ، تمدن و محیط زیست پایه‌ریزی کرد و از طرح‌هایی که با این موضوعات بود^۳ حمایت ویژه می‌کرد (همان: ۴۵۱).

۲. ۱. سیاست خارجی سلطان قابوس

سیاست وی مبتنی بر بی‌طرفی و دخالت‌نکردن در نزاع‌های بین همسایگان و دولت‌های بیگانه بود. خاستگاه این سیاست را نیز قاعده «لا ضرر و لا ضرار» (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۸۲) می‌دانست. از این‌رو با همه دولت‌ها، اعم از دولت‌های عربی یا غیرعربی،

رابطه دوستانه برقرار کرد و در تمامی مجامع بین‌المللی حضور داشت. حکومت سلطان قابوس به سبب ایمان به جمله «من یتدخل - علی المستوی الدولی - فی شأن لیس من شأنه کانما ینعق فی واد غیر وادیه» شبیه عزلت سیاسی است. وی توانست با این سیاست عمان را به کشوری آرام در منطقه و جهان تبدیل کند (بوسعیدی، بی تا: ۴۴۸).

۲.۲. سیاست اقتصادی سلطان قابوس

مهم‌ترین این سیاست‌ها به شرح ذیل است:

الف. عمانی‌سازی و بومی‌سازی؛ که شاخص‌ترین مصادیقش عبارت است از:

۱. برخی کارها در کشور عمان ویژه عمانی‌ها است، از جمله تاکسیرانی، فروشگاه‌های مواد غذایی، پلیس و ارتش، پست و دفتر اسناد رسمی، هیئت استقبال در شرکت‌ها و مؤسسات، و خیاطی در بعضی از شهرها.

۲. استخدام نیروهای کار عمانی به صورت قرارداد پیمانی برابر با نیروهای غیرعمانی در شرکت‌ها و تقدیر از شرکت‌هایی که این قانون وزارت کار را رعایت می‌کنند.

۳. فرستادن عمانی‌ها به خارج از مرزها، از جمله امریکا، انگلستان، استرالیا و مصر، برای یادگیری مهارت‌هایی که در عمان ضعیف است یا اساساً وجود ندارد.

۴. جلوگیری از به‌کارگیری غیرعمانی‌ها در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی، مگر اینکه در آن مسئولیت متخصصی از عمان نباشد. از این رو دولت، قبل از استخدام، از سازمان ثبت راجع به تخصص افراد استعلام می‌کند.

ب. گردشگری: با اینکه هوای عمان در بیشتر ماه‌ها گرم است ولی آماده‌سازی زیرساخت‌های گردشگری و نقشه جامع گردشگری یکی از کارهایی است که به دستور سلطان قابوس انجام شد. تبدیل عمان به منطقه ویژه گردشگری، مخصوصاً در زمانی که سفر عرب‌ها به اروپا و امریکا بعد از یازدهم سپتامبر بسیار مشکل شد، سیاست اقتصادی بسیار خوبی بود.

ج. سرمایه‌گذاری: در این زمینه عمان، بعد از دبی، رتبه اول را در منطقه به خود اختصاص داد که بارزترین مکان برای سرمایه‌گذاری در عمان، شهر زرقاء است.

د. بورس: پیشرفت معاملات در بورس به شکلی محسوس در عمان دیده می‌شود، به گونه‌ای که در مقطعی از تاریخ، فقط ۱۰۰ سهم معامله می‌شد اما اکنون این میزان به حدود ۱۰۰۰ سهم رسیده است (همان: ۴۴۸-۴۵۲).

سلطان قابوس در سال ۲۰۱۴ به سرطان روده بزرگ مبتلا شد و در صدد معالجه برآمد و تا حدودی بهبودی یافت. در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۹ با بازگشت بیماری به بلژیک سفر کرد تا اقدامات پزشکی لازم را انجام دهد، اما معالجه‌اش را نیمه‌کاره رها کرد و به عمان بازگشت و در نهایت در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰، در ۷۹ سالگی، درگذشت. بعد از مباحث مختلفی که بر سر جانشینی وی مطرح بود، بالأخره هیثم بن طارق البوسعیدی در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰ در ۶۵ سالگی به عنوان جانشین سلطان قابوس بن سعید البوسعیدی انتخاب شد. هیثم، پسرعموی سلطان قابوس و وزیر سابق میراث فرهنگی عمان است.

۳. احمد بن حمد خلیلی^۴

یکی دیگر از شخصیت‌های تأثیرگذار اباضی معاصر در عمان، احمد بن حمد خلیلی (متولد ۱۳۶۱ ه.ق.) است. نام وی ابوسلیمان بدرالدین احمد بن حمد بن سلیمان بن ناصر بن سالمین خلیلی خروسی، از قبیله بنی‌خروص و از طوایف ازد عمان، است. پدر و جد وی از بزرگان و مشهور به علم و بزرگواری بودند. خلیلی در کودکی قرآن را حفظ کرد و نزد استادان متعددی به یادگیری فقه و ادبیات مشغول شد. بعد از اینکه به درجه‌ای از علم دست یافت برای طلب بیشتر علم راهی مصر شد و از استادان آن دیار بهره‌ها برد. درباره وی جمالتی از بزرگان مذاهب نقل شده است که یکی از مشهورترین آنها، این جمله است:

او دانشمندی الهی و تارک دنیا است. اهتمامش فقط به امور اسلام و مصلحت مسلمانان است. خانه‌اش به روی هر نیازمند مادی و معنوی باز است و

رفتارش با دیگران با قلبی گشاده است که از سر ایمان و اطاعت الاهی می‌تپد.^۵
(آل‌ثانی، ۲۰۰۹: ۷۴۵).

وی در سال‌های گذشته مسئولیت‌های علمی و اجرایی گوناگونی داشت، از جمله:
۱. مفتی عام سلطنت کشور عمان؛ ۲. رئیس هیئت مدیره تمام مؤسسات فرهنگی سلطان قابوس؛ ۳. رئیس دانشکده علوم شرعیه؛ ۴. عضو کمیسیون بازرسی برای شکایات؛ ۵. عضو کمیسیون استهلال؛ ۶. رئیس کمیسیون انتشارات و پژوهش کتب در وزارت خانه تراث القومی والثقافة؛ ۷. عضو کمیسیون فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی؛ ۸. عضو مؤسسه آل‌البیت؛ ۹. عضو هیئت امنای دانشگاه بین‌المللی اسلامی پاکستان (همان: ۷۸۳).

همچنین، تألیفات متعددی، اعم از کتاب و مقاله، دارد که عناوین مهم‌ترین کتاب‌هایش عبارت است از: *جواهر التفسیر؛ الحق الدامغ؛ الفتاوی؛ شرح غایة المراد؛ و سقط القناع؛ عوامل تقوية الوحدة الاسلامية في الشعائر الدينية؛ اعادة صياغة الامة؛ زكاة الانعام؛ المحکم والمتشابه؛ الدين والحياة* (همان: ۷۸۴).

۳. ۱. روش و رویکرد خلیلی در افتاء

با کاوش در کتاب‌های فقهی خلیلی و دقت در آنها به روش و منهج خاص وی در افتاء پی می‌بریم که مهم‌ترین ویژگی‌هایش عبارت است از:

آزادی از تعصب و تقلید؛ یکی از مسائلی که بسیاری از اهل علم با آن مواجه‌اند تعصب و تقلیدگرایی است. خلیلی به دلیل سعه صدر و جولان فکری‌اش، هیچ‌گاه دچار تقلیدگرایی و تعصب نشده و همیشه با این مقوله مخالفت کرده است. آزادی عمل و دوری از تعصب و تقلید در وی را با ذکر چند نمونه منعکس می‌کنیم:

الف. گاه می‌بینیم که وی نظری دارد که همه علما با آن مخالف‌اند، زیرا خلیلی وقتی به دلیل قوی‌تر و با مصلحت راجحی به مطلبی پی می‌برد، با قطع نظر از قائلان به نظریات دیگر، نظر خود را بیان می‌کند، خواه موافق نظر علما باشد یا مخالف آن.

ب. اهتمام وی به تتبع در پژوهش‌های علمای قدیم و جدید و همچنین بیان اقوال مختلف در مسائل و ارزیابی ادله آنها؛ وی نظریه‌ای را اتخاذ می‌کند که ادله‌اش به شرع، مقاصد و مصالح شریعت نزدیک‌تر باشد و البته از دستاوردهای دیگران با اختلاف در مذهبشان استفاده می‌کند.

ج. وی اختلاف میان مذاهب را مانند اختلاف در درون یک مذهب می‌داند نه اختلافات عمیق و شدید.

اهتمام به فقه واقعی و جدید؛ یکی از معضلات پیش روی فقهای مذاهب اسلامی، مسائل جدید و مستحدثه است؛ مسائلی که یا شریعت اسلام در گذشته حکمی برای آن نداشته است، یا اگر در گذشته در شریعت سخنی از آن گفته شده اکنون آن حکم نیاز به تجدید نظر دارد. خلیلی یکی از افرادی است که با اهتمام ویژه و با تکیه بر ادله شرعی و نیز مصالح مردم به سراغ مسائل جدید و مستحدثه می‌رود و صالح و فاسد آن را از هم جدا، و حکم هر یک را بیان می‌کند. از این نمونه مسائل جدید، در فتاوی خلیلی بسیار دیده می‌شود، مانند مباحث جدید فقه پزشکی، از جمله رحم اجاره‌ای، اهدای عضو و مسائل جدید اقتصادی (نک: آل‌ثانی، ۲۰۰۹: ۸۰۵-۸۲۲).

غلبه داشتن روح تسامح و تساهل و دوری از سخت‌گیری؛ وی علی‌رغم پای‌بندی به قرآن و سنت نبوی و پیروی از روش گذشتگان، جانب تسامح و تساهل را در فتوادادن در پیش گرفته و در این روش به آیاتی از قرآن، از جمله آیات «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق: ۷) و «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا» (بقره: ۲۸۶) و نیز حدیث نبوی «بعثت بالحنيفية السمحة السهلة» (پابنده، ۱۳۸۲: ۳۷۴) تمسک کرده است. مثلاً درباره قبله در نماز می‌گوید: «من لا يستطيع الاتجاه الى القبلة في الصلاة يصلی كيفما أمكنة» (خلیلی، ۱۴۲۳: ۱۴۴/۳).

«تیسیر» نزد خلیلی چارچوب مشخصی دارد. چنین نیست که «تیسیر» به معنای کوتاه آمدن و دست‌کشیدن از شریعت باشد، بلکه در فتوا مراعات حال افراد و مصلحت جامعه را می‌کند. خلیلی به کلامی از ابوالمؤثر استناد می‌کند که می‌گوید: «ینبغی للمفتی ان یتخرج و لایضیق علی الناس ما هو واسع لهم و لا یوسع لهم ما هو ضیق علیهم» (شقصی، ۲۰۰۶: ۱۳۷/۲).

خطاب قراردادن با زبان روز؛ خلیلی با اینکه بسیار به زبان عربی فصیح مقید است و غیرت خاصی به زبان قرآن دارد، ولی در بحث‌های فقهی و فتوا از زبان روان و دور از اصطلاحات تخصصی استفاده می‌کند، به گونه‌ای که همه مردم مراد کلام وی را متوجه می‌شوند. توجیه وی در این روش آیه قرآن است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم: ۴). همچنین، هیچ‌گاه از کلمات اجنبی استفاده نمی‌کند و بسیار حساس است که مخصوصاً در پاسخ به پرسش‌های شرعی، غلط و اشتباهی از وی سر نزنند.

دوری از مسائلی که نفع عمومی در آن نیست؛ فتاوی خلیلی به شدت از مسائلی که مردم به آن نیاز ندارند دور است، به طوری که در فتاوایش مسائل فقهی جدلی و فرضی دیده نمی‌شود. وی به شدت از مسائلی که موجب اختلاف بین مردم شده یا پرداختن به مسائل فتنه‌انگیز مطرح شده میان صحابه، دوری می‌کند. شعار وی در این خصوص آیه «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۳۴) است.

بیان فتوا به صورت کامل بر حسب مقتضای آن؛ گاه خلیلی به برخی از موضوعات به تفصیل می‌پردازد، در حالی که دیگران صرفاً چند کلمه درباره آن بیان کرده‌اند. زیرا که آن مسئله یا پرسش اقتضای چنین جوابی را دارد.

رویکرد اصلاح‌طلبی به فتوا؛ خلیلی استعداد سرشاری دارد. وی مکتب جدیدی در فتوادادن پایه‌ریزی کرده است که این مکتب جدید به بیداری اسلامی و حرکات اصلاحی منتهی می‌شود. مهم‌ترین نمودهای اصلاحی این مکتب جدید عبارت است از:
الف. تمرکز بر موضوعات کلی و اساسی برای امت؛ عنایت ویژه خلیلی به مسائلی است که امت اسلامی بسیار به آن نیاز داشته است. از این‌رو وی به تصحیح این موضوعات حریص است. مهم‌ترین این موضوعات عبارت است از:

اول. تفکر و اندیشه صحیح مردم؛ مردم باید حقیقت را همان‌طور که هست درک کنند، حال تفاوت نمی‌کند که آن حقیقت مربوط به خداوند متعال و حقوق خداوند

متعال باشد، یا مربوط به نظام هستی و وجوب کرنش در مقابل دستورهای الهی، یا مربوط به ارتباطات بین مسلمانان باشد که این ارتباطات باید از روی رحمت و مودت باشد، یا اینکه حقایق مربوط به مباحث اخلاقی باشد.

دوم. وحدت اسلامی؛ وی در بحث وحدت اسلامی به قاعده «برادری دینی» تمسک می‌کند و راهکار وحدت اسلامی را دوری از مسائل اختلافی و تفرقه‌افکنانه می‌داند. سوم. جوانان؛ خلیلی جوانان هر جامعه‌ای را مقیاس پیشرفت و پسرفت آن جامعه می‌داند، به گونه‌ای که اگر جامعه جوانان پیشرفتی داشته باشد آن جامعه پیشرفت می‌کند و اگر جوانان روبه‌جلویی نداشته باشد در مسیر انحطاط قرار می‌گیرد. جوانان باید مطابق تربیت قرآنی تربیت شوند تا روح استقلال در آنها موج بزند و از وسوسه‌های نفسانی و دشمنان ایمن شوند.

چهارم. زنان؛ خلیلی معتقد است زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و نیمه دیگر هم به دست زنان تربیت می‌شوند. زنان در سایه اسلام می‌توانند به تمام حقوق خود برسند. قوانین اسلامی برای زنان مطابق فطرت انسانی است و اختلاف بین زن و مرد هم اختلاف فطری است. وی زنان را به رعایت شئون خانواده و فرزندان دعوت می‌کند و آنها را به شدت در پژوهش‌ها و فعالیت‌های اجرایی از اختلاط با مردان باز می‌دارد و می‌گوید اگر زنان قصد فعالیت در خارج از منزل را دارند باید به ضوابط شرعی مقید باشند.

ب. ایجاد راهکارهای شرعی برای مسائل جدید (طرح جایگزین)؛ یکی از اولویت‌های خلیلی در رویکردهای اصلاح‌طلبانه در بحث فتوا این است که وی راهکارهایی را برای مسائل جدید مطرح می‌کند، خواه آن قضایا فکری باشد یا اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تربیتی. وی در فتوادادن به بیان حکم شرعی اکتفا نمی‌کند بلکه با مطرح‌شدن مسائل جدید راهکارهایی را هم برای حل آن مسائل مطرح می‌کند تا هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی تأمین شود. مطرح‌کردن راهکار، طرح بدیل یا جایگزین نامیده می‌شود. مثلاً وی بانک‌های اسلامی را به شرط آگاهی از برنامه‌هایش جایگزین بانک‌های ربوی معرفی می‌کند و موسیقی‌های اسلامی را بدیلی برای

گوش دادن به غنا و موسیقی می‌داند. این طرح بدیل در مسائل اقتصادی و پزشکی نمود بیشتری دارد.

ج. پاک‌سازی اسلام از بدعت‌ها؛ خلیلی تأکید بسیار بر پاک‌سازی دین از بدعت‌ها دارد؛ یعنی پاک‌سازی دین از اموری که نه در عهد نبوی بوده و نه روش پیامبر آن بوده است، بلکه بعدها مردم آن را بر دین افزوده‌اند. یکی از آن بدعت‌ها گرفتن پول برای خواندن قرآن است. زیرا قرائت قرآن عبادت است و در مقابل عبادت پول قرار نمی‌گیرد، همان‌طور که انسان در مقابل نماز نمی‌تواند پول دریافت کند. زیرا اجر امور عبادتی در روز قیامت به انسان‌ها می‌رسد.

د. اصلاح در روش فتوا؛ خلیلی روش‌هایی در فتوا دارد که موجب اصلاح روش‌های قبلی فتوا شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های این روش عبارت است از: اول. ترکیب بین بیان محکم و سنجیده فتوا همراه با روش گویا؛ وی در ضمن بیان فتوا به صورت محکم همراه با ادله، این فتوا را در قالب بسیار زیبا، مانند جملات از روی عاطفه، بیان می‌کند تا در عمق جان شنونده اثر بگذارد.

دوم. جمع بین فتوا و مسائل روحی و روانی؛ وی در ضمن فتوادادن به مسائل حقوق خداوند متعال و حقوق مردم که روش قرآن کریم است، توجه بسیار دارد. خداوند در قرآن، علاوه بر بیان حکم مسائل، به بهشت بشارت می‌دهد و جهنم را به مخاطب یادآور می‌شود.

سوم. استفاده از ضرب‌المثل، داستان و موعظه در فتوادادن؛ که سبب تأثیرگذاری فتوا در عمق جان مخاطب می‌شود (نک: آل‌ثانی، ۲۰۰۹: ۸۰۵-۸۲۲).

نتیجه

مذهب اباضیه یکی از مذاهب فعال امروزی در جهان اسلام به شمار می‌آید که در کشور عمان گسترش و فعالیت خویش را ادامه می‌دهد. کشور عمان، قبل و بعد از اسلام، اهمیتی ویژه دارد که با حکومت آل‌جلندی در این کشور جایگاه خاصش را در جهان اسلام آشکار کرد. سلسله‌های پادشاهی متعدد در این کشور، هر یک جای تأمل

دارد. از طرفی ورود مذهب اباضیه به این کشور و پذیرش مردم از نکات در خور تأمل است. وجود بزرگانی نظیر سلطان قابوس در روزگار معاصر، که پادشاه رسمی این کشور بود و مذهب اباضیه را اختیار کرد، به پویایی و رشد اباضیان منجر شد. وی با سیاست‌های مقتدرانه‌اش در امور بین‌الملل و ارتباط با کشورهای جهان و همچنین توسعه‌های سیاسی و اقتصادی سبب شد کشور عمان و مذهب اباضیه رشد روزافزونی داشته باشد.

از طرف دیگر، شخصیت فقهی و دانشمند معاصر به نام احمد بن حمد خلیلی، که از بازوان پادشاهی کشور تلقی می‌شود، به رشد فزاینده عملی و سیاسی این مذهب در همه ابعاد کمک شایانی کرد و با سیاست‌های فرهنگی خاصش در کنار نظریات فقهی مقتدرانه، باب جدیدی در تعامل این مذهب با دنیای اسلام گشود. شیوه‌های خاص وی در افتاء و دوری از بدعت‌های موجود در جهان اسلام، پویایی و به‌روزرسانی فتاوا و تعامل سازنده با سایر مذاهب فقهی، از نکات برجسته در منش شخصی و اجتماعی او است که فقه اباضیه را با تراث خویش به دنیای امروز معرفی کرد و در مجامع علمی دنیا به بحث و تفحص کشاند و در میان مذاهب فقهی اهل سنت جایگاه جدیدی به خود اختصاص داد.

پژوهش بیشتر در باب اباضیه و مبانی فکری و مشی عملی آنها می‌تواند زوایای جدیدی به روی مخاطبان و پژوهشگران بگشاید و زمینه تقریب مذاهب اسلامی را بیش از پیش فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مهرجان خریف صلاله.
۲. «ان هدفنا السامی هو إعادة امجاد بلادنا السالفة، هدفنا ان نری عمان و قد استعادت حضارتها الافلة و قامت من جدید و اختلفت مکانتها العظیمه بین شقیقاتها العربیات فی النصف الثانی من القرن العشرين و ان نری العمانی یعیش علی ارضه سعیدا و کریماً».

۳. مهم‌ترین طرح‌های حمایتی سلطان عبارت‌اند از: دائرة‌المعارف سلطان قابوس برای اسماء عربی، مسابقات حفظ قرآن کریم، بعضی از طرح‌های دانشگاه الأزهر، الخلیج و دیگر دانشگاه‌ها و مؤسسات عربی و بین‌المللی به گونه‌ای که دانشگاه‌های اروپا بر ایجاد کرسی درس زبان عربی به همت سلطان قابوس در آن دانشگاه‌ها شهادت می‌دهند.
۴. مطالب این بخش عمدتاً برگرفته از مقاله «التجدید الفقہی فی الافتاء العمانی المعاصر: قراءة فی فتاوی الشیخ احمد الخلیلی» اثر حمود بن یحیی بن مسعود آل ثانی است.
۵. «فهو عالم ربانی زاهد فی الدنیا و لا یهتمّ ألاً بامور الاسلام و مصلحة المسلمین، داره مفتوحة لكل طالب حاجة و لكل من لديه مشكله ... یعامل الاخرین بقلب مفتوح ینبض بالایمان و طاعة الرحمن».
۶. این کمیسیون عالی‌ترین کمیسیون قضایی در کشور عمان است.
۷. وزارت میراث ملی و فرهنگی.
۸. انجمن سلطنتی تحقیقات تمدن اسلامی.

منابع

- قرآن کریم.
- اداره بررسی‌های مرکز اعزام مبلغ خارج از کشور وزارت امور خارجه (۱۳۷۸). *طلایه عمان*، تهران: معاونت ارتباطات اداره کل اعزام مبلغ به خارج از کشور وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- آل ثانی، حمود بن یحیی (۲۰۰۹). *التجدید الفقہی فی الافتاء العمانی المعاصر: ندوة التقنینین والتجدید فی الفقه الاسلامی المعاصرة، مسقط: وزارة الاوقاف والشئون الدینیة، الطبعة الاولى*.
- بربر، محسن (۲۰۰۴). *الاباضیة، لبنان: مؤسسة الحدیثة للكتاب، الطبعة الاولى*.
- بوسعیدی، سالم (بی‌تا). *الرائع فی التاریخ العمانی، مسقط: مكتبة الانفال، الطبعة الاولى*.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم*.
- خلیلی، احمد بن حمد (۱۴۲۳). *الفتاوی، عمان: الاجیال للتسویق، الطبعة الاولى*.
- سالمی، عبدالله بن حمید (بی‌تا). *تحفة الاعیان بسیرة اهل عمان، مسقط: مكتبة الامام نور الدین السالمی، الطبعة الاولى*.

شقصی الرستاقی، خمیس بن سعید بن علی بن مسعود (۲۰۰۶). *منهج الطالبین و بلاغ الراغبین*، مسقط: مكتبة مسقط، الطبعة الاولى.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
صوافی، صالح بن احمد (۱۹۹۷). *الامام جابر بن زید العماني و آثاره فی الدعوة*، عمان: وزارة التراث القومي والثقافة، الطبعة الثانية.

عاشور، سعید عبد الفتاح (۱۴۱۲). *تاریخ اهل عمان*، عمان: وزارة التراث القومي والثقافة، الطبعة الاولى.

عرب، محمد (۱۳۷۷). *آشنایی با مذهب اباضی*، تهران: علمی فرهنگی، چاپ اول.
کامران مقدم، شهین دخت (۱۳۵۶). *تاریخ کشورهای همجوار ایران*، تهران: دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول.

کریمی، ناصر (۱۳۸۸). *عمان*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴). *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم: شیعه‌شناسی، چاپ اول.

نواب، سید ابوالحسن (۱۳۹۳). *درس‌نامه جغرافیای تشیع*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.

وزارة الاعلام (۲۰۱۰). *مسيرة الخير*، عمان: وزارة الاعلام، الطبعة الاولى.

یگانه، عباس (۱۳۷۴). *عمان*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.